



غلامرضا هدایت نیا

سلطانیه، گنبدی به بلندای تاریخ

جهت، این محل "چمن زار یا شکارگاه شاهین" نامیده می‌شد. کم کم پادشاهان بعدی به‌خاطر خوش آب و هوا بودن مکان مزبور، تصمیم به ایجاد تأسیسات و ساختمان‌هایی برای اسکان خویش، لشکریان و اطرافیان خود گرفتند.

در اواخر قرن هفتم هجری قمری "ارغون‌خان"، چهارمین ایلخان مغول دستور ساخت قلعه‌ای با دور باروی ۱۲۰۰۰ گام از سنگ تراشیده در منطقه سلطانیه را صادر کرد. برای ساخت این قلعه که دارای کاخ سلطنتی و خانه‌های متعدد بود، هزاران نفر از معماران و هنرمندان از تبریز به این منطقه آمدند. "ارغون‌خان" در حالی که ساخت قلعه به پایان نرسیده بود، در آن رحل اقامت افکند و مدتی بعد درگذشت. پسرش "غازان‌خان" در ابتدا قصد داشت، کار نیمه‌تمام پدرش را به انجام برساند، ولی به‌دلایلی از این کار منصرف شد و تبریز را به پایتختی برگزید. او بعدها تصمیم گرفت در محل سلطانیه، شهری جدید و آرامگاهی مجلل برای خودش بسازد.

بالاخره در سال ۷۱۰ هجری قمری کار ساختمان شهر سلطانیه به پایان رسید. اولجایتو به‌همین مناسبت، جشن مفصلی گرفت و این شهر را "سلطانیه" یعنی "محل سلطنت شاهان" نامید. از آن تاریخ به بعد شهر به این نام شهرت یافت و سلطانیه

"گنبدسلطانیه"، بزرگ‌ترین گنبد آجری جهان در جلسه‌ای که روز ۲۴ تیر سال ۱۳۸۴ شمسی با حضور نمایندگان "کمیته میراث جهانی یونسکو" در شهر "دوربان" کشور آفریقای جنوبی برگزار شد، اکثریت آرا و بدون هیچ مخالفتی، در فهرست میراث جهانی یونسکو به‌ثبت رسید. این گنبد بعد از "زیگورات چغازنبیل"، "ارگ‌بم"، "تخت جمشید"، "پاسارگاد"، "تخت سلیمان" و "میدان نقش جهان"، هفتمین اثر تاریخی ایران محسوب می‌شود که در فهرست میراث جهانی یونسکو به‌ثبت رسیده است.

سلطانیه کجاست؟

در مسیر زنجان به تهران و در فاصله ۳۰ کیلومتری زنجان، در سمت راست جاده، گنبدی عظیم خودنمایی می‌کند، که با داشتن بیش از ۵۴ متر ارتفاع به‌عنوان شگفتی معماری دوره ایلخانی شناخته می‌شود. بنای تاریخی گنبد سلطانیه، یادآور شکوه و رونقی است که حدود ۷۰۰ سال پیش در این شهر جریان داشته است. مطابق نوشته‌های آشوری، در سده هشتم قبل از میلاد، قوم ساکاراتی‌ها در دشت سلطانیه سکونت داشته‌اند. در زمان فرمانروایان دولت‌ماد، نام این محل "اریباد" بوده و پارتیان آن را "ارساس" نامیده‌اند. از این تاریخ به بعد تا دوره مغول اطلاع دقیقی از منطقه سلطانیه در دست نیست تا این که "حمدالله مستوفی"، در کتاب "نزهت‌القلوب" در وصف سلطانیه می‌نویسد: "قبل از حمله مغول در سلطانیه فعلی هیچ‌گونه اثر ساختمانی نبود و این ناحیه به‌شکل مرغزار و چمن‌زار بوده است و آن را با نام "شهریاز" یا "شهریار" می‌شناختند.

سلاطین مغول، پس از استقرار در ایران و پایتختی تبریز، کم‌کم برای شکار و گذراندن ایام تابستانی بدان سو روانه می‌شدند و با برافراشتن چادرها، ایام استراحت تابستانی را در آنجا سپری می‌کردند. به‌همین

پرتال جامع علوم انسانی

مرکز تجارت، صنعت، هنر و سیاست آن زمان شد، به طوری که حمدالله مستوفی ادعا کرده است سلطانیه مرکز واقعی ایران در زمان اولجایتو بود که بعد از مدتی اسلام آورد و خود را "سلطان محمد خدابنده" نامید، به شمار می‌رفت. وی این‌جا را به نام "میانه ایران‌زمین" خوانده است و اضافه می‌کند که در این تاریخ در هیچ شهری از ایران ساختمان‌های باشکوه و معظمی مانند سلطانیه دیده نمی‌شود. و شهر سلطانیه در این زمان از هر لحاظ به اوج ترقی و شکوفایی خود رسیده است.

اما این جلال و شکوه دیری نپایید و عروس شهرهای ایران پس از مرگ سلطان محمد به سال ۷۱۶ هجری با این که مقرر حکومت "ابو سعید بهادرخان"، فرزند سلطان خدابنده شد، رونق و صفای خود را از دست داد و مورد بی‌مهری قرار گرفت و سرانجام بر اثر حمله "تیمور گورکانی" وضع شهر دگرگون و به کلی ویران و خالی از سکنه شد. البته به احترام سلطان محمد، تیمور آرامگاه او را مورد دستبرد قرار نداد. به همین جهت امروز، تنها اثر مهمی که در دشت سلطانیه مشاهده می‌شود، همین گنبد معروف آجری است.

طرحی بر اساس عدد ۸

اساس طرح بنای گنبد سلطانیه بر عدد ۸ استوار است. هر چند علت دقیق انتخاب این عدد معلوم نیست، ولی به احتمال زیاد به علت ساختن ساعت آفتابی یا ایجاد ایستایی مستحکم در بنا مورد استفاده قرار گرفته است. ساعت آفتابی، نظر به اهمیت تشخیص زمان برای انجام امور مذهبی در ساختمان گنبد تعبیه شده است. به این ترتیب که اگر نور خورشید از سوراخ اصلی گنبد بتابد هنگام اذان ظهر است. هم‌چنین نوری که از پنجره‌های بزرگ می‌تابد، نشان‌دهنده ساعت و نور پنجره‌های کوچک، مبین دقیقه است. بلندای این گنبد با هشت مأذنه آن به نحوی انتخاب شده تا در گسترش شهر گم نشود. در حقیقت این بنا، گذشته از عملکردهای واقعی که مورد توجه و مقصود سازنده آن بوده است، به صورت یک برج نیز عمل می‌کرد. زیرا که بنای رفیع گنبد سلطانیه تقریباً در وسط دشت بنا شده، از هر سو قابل رؤیت است. روی هر کدام از جرزهای هشت گانه در بالای گنبد، آثار مناره‌هایی به قطر یک‌متر و به بلندای ۳/۵ متر که با زیباترین معرق‌کاری مزین شده‌اند، باقی است. داخل این مناره‌ها، پلکان مارپیچی به عرض ۷۰ سانتی‌متر که به‌حول قطر ۲۰ سانتی‌متر می‌پیچند، طراحی شده است. این مناره‌ها فشار گنبد را به صورت عمودی خنثی می‌کند.



طرح نوآورانه

این بنای تاریخی دارای سه در ورودی بزرگ است، که امروز در ورودی اصلی آن بسته شده است. بنا دارای هشت پلکان مارپیچی یا حلزونی است که بین جرزها جای گرفته و به طبقات بالا و ایوان‌ها راه دارند. بر فراز چهار ایوان اصلی و بزرگ گنبد، چهار پنجره بزرگ قرار دارد که روشنایی داخل بنا را تأمین می‌کنند. همچنین از این پنجره‌ها جهت تشخیص زمان نیز استفاده می‌شد.

یکی از خصوصیات اصلی و منحصر به فرد این گنبد، دو جداره بودن آن است، به طوری که "سن پائولزی"، درباره آن می‌گوید: "به نظر من نمی‌توان در دنیا، بنایی به این خصوصیات قبل از بنای سلطانیه پیدا کرد. از این رو اهمیت بنا در دنیا شایان ذکر است".

بسیاری از معماران معتقدند بنایی که به این ترتیب آرایش یافته، تأثیر عجیب یک ساختمان هوایی را به انسان منتقل می‌کند.

در بعضی از روزها، گنبد درخشان سلطانیه، روی پایه خاکی رنگ و مناره‌های درخشان، چنان می‌نماید که در آسمان بال گشوده است. این اثر زیبا و دل‌انگیز مولود هنری است که با ظرافت خاص، رنگ لاجوردی حاشیه گنبد را با رنگ طبیعی آجر، انس داده و بیننده را به تمجید ذوق زینت‌گر معمار و هنر سازنده آن وا می‌دارد.

تحقیقات کاوشگران نشان می‌دهد این بنای عظیم که علاوه بر محل آرامگاه اصلی که شامل ساختمان مرکزی گنبد است و به نام "تربت‌خانه" شهرت دارد، سبب ایجاد بناهای دیگری در جنب آرامگاه شده بود. هم‌چنین دالان‌های تودرتویی در سردابه این بنا موجود است، که حدس زده می‌شود برای اجرای مراسم خاصی به کار می‌رفته، حتی حدس می‌زنند که سلطان "محمد خدابنده" پس از مدتی از اسلام روی برگردانده و دوباره به اصل خود برگشته و دشمن شده و این دالان‌ها و فضاها برای اجرای مراسم مذهبی خاص پس از مرگ وی بوده است. البته جسد وی نیز به جای دفن در سردابه، در کوه‌های اطراف دفن شده است.

منابع در دفتر نشریه موجود است.

